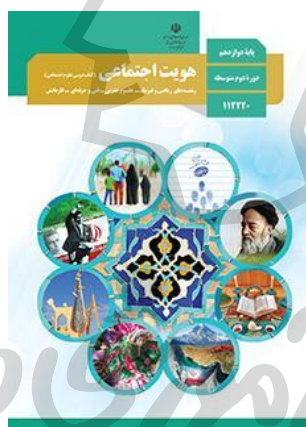


سازمان آموزش و پرورش استان فارس مدیریت آموزش و پرورش لارستان

جزوه کمک آموزشی هویت اجتماعی

(کتاب درسی علوم اجتماعی)

رشته های ریاضی و علوم تجربی
پایه دوازدهم



تهیه و تنظیم: اعظم دانش اعتمادی

دبیر شهرستان لار
استان فارس

(بارم درس ۱۵۵ در امتحان نهایی ۵ نمره)

درس یک: کنش های ما

* تمامی مخلوقات درجهان کاری انجام می دهند.

* در زبان فارسی برای **فعالیت** های انسان اسم های گوناگون:

کار، عمل، رفتار، فعل، کردار، کنش

* انجام دهندگان این فعالیت ها:

کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما، عامل

کنش:

* در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می دهد کنش و به انجام دهنده آن کنشگر می گویند.

* کنش ویژگی هایی دارد که آن را از فعالیت سایر مخلوقات متمایز می کند.

ویژگی های کنش:

۱- کنش **آگاهانه** است مانند: سخن گفتن

۲- کنش **ارادی** است مانند: باز کردن پنجره اتاق

۳- کنش **هدف دار** است مانند: بالا بردن دست توسط دانش آموز

نکته:

* کنش ها ممکن است با **اشتیاق** یا با **اکراه** یا حتی از **روی اضطرار** و بنا به **ضرورت** انجام شوند، مانند:

فردی که از خطر می گریزد (با اراده خود این کنش انجام می دهد)

* معانی مختلف بوق زدن:

هشدار و فرار از خطر، سلام کردن، جلب توجه

آثار و پیامدهای کنش:

۱- **پیامد های ارادی کنش:** الف - وابسته به اراده خود کنشگر (پاسخگویی به سوال امتحان توسط دانشجویی که مطالعه کرده)

ب - وابسته به اراده دیگران (نمره دادن استاد)

نکته:

* پیامد های ارادی خودشان کنش هستند و باید کنشگری آنها را انجام دهد مانند: مطالعه کردن

پیامد های ارادی کنش احتمالی اند (ممکن است انجام بشوند یا انجام نشوند)

۲- **پیامد های غیر ارادی کنش:** مانند جابجا شدن هوا بعد از باز کردن پنجره

نکته:

پیامد های غیر ارادی کنش **قطعی** هستند (حتما انجام می شوند) مثال: ازدست رفتن سلامت فرد معتاد

بنابراین: * انسان ها کنش های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیر ارادی آنها انجام می دهند

* از انجام برخی کنش ها، به دلیل پیامدهای نامطلوب شان خودداری می کنند

در عبارات زیر موارد صحیح و غلط را مشخص کنید

* در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می دهد کنش و به انجام دهنده آن کنشگر می گویند. درست

* برخی پیامدهای کنش، ارادی اند که این دسته پیامدها، خودشان کنش هستند. درست

* پیامدهای غیر ارادی کنش انسان قطعی هستند. درست

* فردی که از خطر می گریزد کنشی انجام نداده؛ زیرا عمل او از روی اضطرار است. غلط

* بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر، کنش فردی محسوب می شود. غلط

* آسیب های تنفسی از پیامدهای غیر ارادی مصرف دخانیات است. درست

* «ورزشکار حرفه ای شدن»، پیامد غیر ارادی ورزش کردن است. نادرست

* کاهش روابط عاطفی میان خانواده، پیامد طبیعی استفاده افراطی از شبکه های مجازی است. درست

* برخی آسیب های جسمانی و روانی، پیامد طبیعی استفاده از شبکه های مجازی است. درست

* پاکیزگی دست و صورت پیامد ارادی کنش وضو گرفتن است. نادرست

*کنش انسان همانند سایر مخلوقات معنادار است. نادرست

جاهای خالی با عبارات مناسب پر کنید

*معلم در صورتی می تواند به خواسته دانش آموز پاسخ مناسب بدهد که کنش او را بیابد. (معنای)

*عوض شدن هوای کلاس، بعد از باز کردن پنجره..... کنش است. (پیامد غیر ارادی)

*کنش ها ممکن است با اشتیاق یا از روی اضطرار و بنا به ضرورت انجام شوند اما در هر حال، (ارادی اند)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

*وقتی برای اولین بار برای استفاده از یک کالای پیچیده به دفترچه راهنمای آن مراجعه می کنیم ؛ بیانگر کدام ویژگی کنش است؟ (آگاهانه بودن- ارادی بودن)

*قرار گرفتن بر سر دوراهی، بیانگر کدام ویژگی های کنش است؟ (ارادی بودن)

*«مریم در خرید تبلت یا تلفن همراه تردید دارد» این جمله نشانگر کدام ویژگی کنش است؟ ارادی

*درس خواندن برای دستیابی به شغل و درآمد، به کدام یک از ویژگی های کنش اشاره دارد؟ (هدفدار بودن)

*کدام یک از پیامدهای کنش، احتمالی اند. (پیامدهای ارادی)

*دیگران در چه صورت می توانند به کنشگر پاسخ مناسب دهند؟ در صورتی که معنای کنش او را دریابند.

*منظور از معنادار بودن کنش چیست؟

انسان ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می دهند، مثلاً وقتی دانش آموزی در کلاس دستش را بالا می آورد این کار آگاهانه، ارادی و هدفدار

انجام می دهد و معنای آن اجازه خواستن از معلم است، معلم نیز در صورتی می تواند به او پاسخ مثبت بدهد که معنای کنش را بیابد.

*یکی از پیامدهای غیرارادی «رعایت حیا» را نام ببرید؟ رضایت درونی، احساس آرامش، در امان ماندن از برخی آسیب ها، جلب رضایت خداوند و.....

*یکی از پیامدهای ارادی وابسته به اراده کنشگر «ورزش کردن» را نام ببرید؟ ورزش کار حرفه ای شده، شرکت در مسابقات المپیک و.....

درس دو: پدیده های اجتماعی

کنش اجتماعی: نوعی کنش است که با توجه به **دیگران** انجام می شود

نکته:

*درکنش اجتماعی، اراده و آگاهی کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی ها و اعمال آنهاست

*کنش اجتماعی فقط درحضور فیزیکی دیگران **صورت نمی گیرد**. مانند راننده ای که نیمه شب پشت چراغ قرمز می ایستد

*کنش های که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها انجام می گیرند، کنش اجتماعی نیستند

***دیگران:** یعنی کسانی که کنشگران با توجه به آن ها دست به کنش می زنند. دوست و دشمن یا غریبه و آشنا

*کنش های ما تنها در ارتباط با دیگران انجام نمی شوند. کنش های ما در ارتباط با خودمان، خلقت (طبیعت و ماورا طبیعت) و خداوند متعال نیز

صورت می گیرند

پدیده اجتماعی:

به **کنش اجتماعی و پیامدهای** آن پدیده اجتماعی می گویند. مانند: بانک، مدرسه، پلیس، خانواده، گروه دوستان، نماد ها، هنجارها، ارزش ها

نکته:

***کنش اجتماعی خردترین** (کوچکترین) پدیده اجتماعی است و سایر پدیده های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن هست

هنجار اجتماعی:

***شیوه انجام** کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است مانند نحوه احوالپرسی در جوامع مختلف

ارزش اجتماعی:

آن دسته از **پدیده های مطلوب و خواستنی** هستند که **مورد توجه و پذیرش** اند و افراد یک جامعه، به آنها **گرایش و تمایل** دارند

مانند نظم، عدالت، احترام به بزرگان

نکته:

*اگرکنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی گیرد و هیچ یک از ارزش های اجتماعی مانند عدالت، امنیت، سعادت و آزادی، محقق نمی شوند

***ارزش ها** از جنس **هدف و مقصود** هستند و **هنجارها** از جنس **وسیله** برای راه رسیدن به ارزش ها

*ارزش ها و هنجار های اجتماعی از طریق کنش های اجتماعی تحقق می یابند و پدیده های اجتماعی «جامعه پذیری» و «کنترل اجتماعی» را ضروری می سازند

تا ارزش ها و هنجارها را از طریق **تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه** به افراد منتقل کند.

*افراد نیز با **عمل کردن** بر اساس ارزش ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آن ها می شوند

نکته:

*پدیده های اجتماعی را انسان ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می آورند و چون افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می کنند، پس پدیده های اجتماعی معنا دارند.

*پدیده های اجتماعی به مرور از انسان هایی که آن ها را به وجود آورده اند، مستقل می شوند و فرصت ها و محدودیت هایی را برای کنش ها و زندگی انسان ها ایجاد می کنند.

*پدیده های اجتماعی برای **رفع نیازها و تامین سعادت** پدید می آیند، اما گاه خود پدیده های اجتماعی اصل قرار می گیرند و آن هدف فراموش می شود. مانند مراسم عروسی و ازدواج که برای اعلان پیوند دو نفر با هم هست و برای رسیدن به آرامش و اما هزینه سنگین مراسم عروسی گاه مهم و هدف می شود و هدف اصلی به درستی تحقق نمی یابد.

از «من» تا «ما»

*کنش های ما انسان ها، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی دارند، این آثار و پیامدها می توانند: **کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت** باشند.

*ازدواج و تشکیل خانواده یکی از زمینه های **پیوند میان انسان ها و گذر از «من» به «ما»** است.

*عزم هر فرد برای ازدواج و تشکیل خانواده و تصمیم هر خانواده برای داشتن فرزند، در شیوه زندگی خودشان و دیگران موثر است.

*تفاوت شیوه زندگی و نوع ارتباط در **خانواده های تک فرزند با خانواده هایی که چندین فرزند دارند** چیست؟

خانواده تک فرزند:

۱- در خانواده های تک فرزند، نوع ارتباط محدود به ارتباط بین پدر، مادر و فرزند است.

۲- در این خانواده ها، معمولاً کودکان در خانه ارتباط با افراد همسن و سال و هم نسل های خود را نمی آموزند.

۳- در غالب خانواده های تک فرزند، والدین هم انتظار بالایی از فرزند خود دارند هم حمایت و پشتیبانی زیادی از او به عمل می آورند.

۴- این وضعیت می تواند کودک را متوقع، سخته گیر یا زودرنج و آسیب پذیر کند.

خانواده دارای چندین فرزند:

۵- خانواده هایی که چندین فرزند دارند از تمرکز افراطی والدین به فرزندان کاسته می شود.

۶- پدر و مادر با درک تفاوت های کودکان خود، انتظاراتشان را تنظیم می کنند.

۷- فرزندان در تعامل با یکدیگر، ارتباط گرفتن با دیگران، تقسیم کار، تعاون و همکاری در انجام کارها را بهتر یاد می گیرند.

*به چه دلیل در هر جامعه ای میزان گرایش افراد و خانواده ها به فرزند آوری، از نظر کمی و کیفی اهمیت فراوان دارد؟

۱- زیرا گروه های کوچک مانند محله، روستا، شهر و گروه های بزرگ مانند جامعه، کشور با وجود فرد و مشارکت اعضا آنها شکل می گیرد و دوام می آورد.

۲- با افزایش تعداد جمعیت یک قوم، فرهنگ و آیین، امکان تاثیرگذاری آن بر سایر فرهنگ ها، اقوام و آیین ها افزایش می یابد.

نکته:

*در جامعه ای که اغلب خانواده های آن، چند فرزندی هستند، با تولد هر نوزاد، نیازهای او به عنوان یک عضو جامعه نیز طرح و پیگیری می شود و این پدیده می تواند زمینه پویایی و بالندگی جامعه را فراهم کند.

*مطالعات نشان می دهد که جمعیت ایران به **سوی سالمندی** می رود.

*طبق پیش بینی های منابع بین المللی، **ساختار سنی جمعیت کشور ما** در سال های بعد از ۱۴۳۰ از یک ساختار **کاملاً جوان** به یک **ساختار سالخورده**

تبدیل خواهد شد

*پیش بینی ها نشان می دهد که سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۲۲ درصد برسد.

***بیشترین سهم** در هرم سنی جمعیت به **گروه ۶۵ ساله و بیشتر** اختصاص می یابد

کشور پیر:

اگر جمعیت جامعه ۶۵ سال بیش از ۱۰ درصد جمعیت کل کشور باشد، کشور پیر محسوب می شود.

***تبعات و آثار پدیده مسن شدن جمعیت چیست؟**

۱-افزایش جمعیت سالمند کشور، افزایش هزینه‌ها را در بر دارد.

۲-افزایش هزینه‌های بهداشت و درمان

۳-برای ارائه خدمات و رفع نیازهای سالمندان، به اندازه کافی، نیروی جوان وجود نخواهد داشت.

۴-فرزندان خانواده‌های تک فرزند ناچارند علاوه بر مسائل شخصی، به تنهایی تعهدات فرزندی، حمایت عاطفی و رسیدگی به مسائل والدین خود را انجام دهند.

در عبارات زیر موارد صحیح و غلط را مشخص کنید

*کنش اجتماعی فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت می گیرد. نادرست

*افراد با عمل کردن بر اساس ارزش ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آنها می‌شوند. درست

*اگرکنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی گیرد و هیچ یک از ارزش های اجتماعی مانند عدالت، امنیت، سعادت و آزادی، محقق نمی شوند. درست

*درکنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی ها و اعمال آنهاست. درست

*برخی کنش ها در حضور دیگران انجام نمی شوند اما اجتماعی اند. درست

جاهای خالی با عبارات مناسب پر کنید

* برای شناخت عمیق تر.....، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» دقت کنید. (کنش اجتماعی)

*شیوه انجام کنش اجتماعی که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است..... نام دارد. (هنجار اجتماعی)

*ارزش ها و هنجار های اجتماعی از طریق..... تحقق می یابند.(کنش اجتماعی)

*خردترین پدیده اجتماعی که سایر پدیده های اجتماعی آثار و پیامدهای آن هستند..... می نامند. (کنش اجتماعی).

*ارزش ها و هنجارهای اجتماعی آثار و پیامد..... هستند. (کنش اجتماعی)

*کنش هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آن ها انجام می گیرند..... نیستند. (کنش اجتماعی)

*دانشگاه، بانک، نمادها و ارزش ها نمونه هایی از هستند. (پدیده های اجتماعی)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

*ارزش ها و هنجارهای اجتماعی از چه طریق تحقق می یابند؟ کنش های اجتماعی

*به کنش اجتماعی و پیامدهای آن چه می گویند؟ پدیده اجتماعی

*خردترین پدیده اجتماعی چیست؟ کنش اجتماعی

*پدیده اجتماعی چیست؟ به کنش اجتماعی و پیامدهای آن، پدیده های اجتماعی گویند

*چرا پدیده های اجتماعی معنا دارند؟ پدیده های اجتماعی را انسان ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می آورند و چون افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می کنند، پدیده های اجتماعی معنا دارند

*افراد چگونه می توانند موجب تداوم و استمرار ارزش ها و هنجارها شوند؟ با عمل کردن بر اساس آن ها

*آیاکنش هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها انجام می گیرد کنش اجتماعی اند؟ خیر، فردی که در کلاس حضور دارد ولی بی توجه به اطرافیان در ذهن خود رودخانه خروشان را تخیل می کند

درس سه:جامعه و فرهنگ

جامعه:

*به **گروهی از انسان ها** گفته می شود که برای **سالبان متمادی با یکدیگر** زندگی می کنند

فرهنگ:

***شیوه زندگی** گروهی از انسان هاست که با یکدیگر زندگی می کنند

مصادیق فرهنگ: خوراکی ها، پوشش ها، گویش ها، آداب و رسوم عروسی و عزاداری، شیوه های یاددهی و یادگیری، نگرش به عالم و آدم

نکته:

*فرهنگ **لایه ها و سطوح** متفاوتی دارد؛ برخی از این لایه ها سطحی تر و بیرونی هستند مانند نمادها و هنجارها . ارزش ها و عقاید لایه های عمیق تر فرهنگ هستند

*لایه های **سطحی امکان تغییر بیشتری** دارند.

* لایه های عمیق کمتر در معرض تغییر قرار می گیرند و تأثیرات همه جانبه و فراگیر دارند

* تغییرات اساسی در لایه های عمیق فرهنگ آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می کند

* جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد. فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی آید.

* فرهنگ و جامعه را می توان به **جسم و جان** انسان تشبیه کرد

* جامعه مانند جسم و کالبد؛ فرهنگ مانند جان و روح جامعه

* جوامع مختلف، شیوه های متفاوتی برای زندگی دارند. دلیل این تفاوت شیوه های زندگی؟

* فرهنگ **آموختنی** است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود

* فرهنگ را **آگاهی و شناخت مشترک** نیز می نامند

فرهنگ عمومی:

* آن بخش از فرهنگ که **همه مردم** یک جامعه در آن اشتراک دارند «**فرهنگ عمومی**» نامیده می شود

خرده فرهنگ:

آن بخش از فرهنگ که مربوط به یک **قوم، قشر، یا گروه** است «خرده فرهنگ» نامیده می شود

نکته:

* فرهنگ هایی که **درون** یک فرهنگ عمومی قرار دارند؛ اغلب با **فرهنگ عمومی سازگارند**

ضد فرهنگ:

در مواردی که عقاید، ارزش ها، هنجارها و مهارت های درون یک خرده فرهنگ، ناسازگار و مخالف با فرهنگ می باشد در این صورت این خرده فرهنگ را «ضد فرهنگ» می نامند.

مانند: بزهکاران، سارقان، قاچاقچیان

خرده فرهنگ موافق:

* فرهنگ های **سازگار با فرهنگ عمومی** را به فرهنگ موافق می گویند مثل خرده فرهنگ های مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه صنف معلمان، صنف پزشکان

* فرهنگ اقوام و اصناف مختلف، اغلب خرده فرهنگ موافق و خرده فرهنگ اوباش و گدایان، ضد فرهنگ است

جامعه و فرهنگ چه الزاماتی دارد؟

یکی از جامعه شناسان (آگوست کنت) معتقد است که سهم **مردگان** در ساختن جامعه **بیشتر از سهم زندگان** است. ما انسان ها در جامعه و فرهنگی دیده می گشایم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است

* اما هر یک از ما صرفاً کنشگری **منفعل و مجبور نیستیم** بلکه می توانیم یا در جهت **تداوم، گسترش و پیشرفت** این جهان اجتماعی حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی با آن گام برداریم

* فرصت ها و محدودیت ها به یکدیگر وابسته اند. فرصت ها و محدودیت ها دو روی یک سکه اند

* جوامع مختلف را می توان بر اساس **آرمان ها و ارزش های آنها فرصت ها و محدودیت هایی** که به دنبال می آورند، ارزیابی کرد.

مثال ۱: قوانین راهنمایی و رانندگی

محدودیت: منع تردد از برخی معابر، منع توقف در بعضی مکان ها، الزام به رعایت سرعت مشخص شده،

فرصت: ایجاد امنیت و سرعت در اثر برقراری ترافیک مطلوب، کاهش تصادف

مثال ۲: محدودیت زبانی مردم یک جامعه:

محدودیت: باید در چارچوب آن حرف بزنند، نمی توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف ها، کلمات و جملات را به کار ببرند.

فرصت: ارتباط با هم زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می آورد.

نکته:

* برخی از جوامع بر اساس **عقاید و ارزش هایشان** استعداد های معنوی انسان را **نادیده** می گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی آورند.

* برخی دیگر از جوامع مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی توجه اند.

در عبارات زیر موارد صحیح و غلط را مشخص کنید

- * جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد ولی فرهنگ بدون جامعه پدید می آید. نادرست
- * فرصت ها و محدودیت های جامعه به یکدیگر وابسته اند و بدون یکدیگر محقق نمی شوند. درست
- * فرصت ها و محدودیت های اجتماعی هیچ رابطه ای با هم ندارند. نادرست
- * آداب و رسوم عروسی و عزاداری از مصادیق فرهنگ به شمار می آید. درست
- * فرهنگ آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. درست
- * لایه های عمیق بیشتر در معرض تغییر قرار می گیرند و تاثیرات همه جانبه و فراگیر دارند. نادرست
- * یکی از جامعه شناسان (آکوست کنت)، معتقد است که سهم آیندگان در ساختن جامعه بیشتر از ماست. نادرست

جاهای خالی با عبارات مناسب پر کنید

- * به شیوه زندگی گروهی از انسان هاست که با یکدیگر زندگی می کنند..... گفته می شود. (فرهنگ)
- * جامعه و فرهنگ را می توان به و..... انسان تشبیه کرد. (جسم - جان)
- * آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند..... نامیده می شوند. (فرهنگ عمومی)
- * بخشی هایی از فرهنگ که مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه است نامیده می شود. (خرده فرهنگ)
- * ما انسان ها در جامعه و فرهنگی دیده می گشاییم که توسط ما پدید آمده است. (گذشتگان یا پیشینیان)
- * جوامع مختلف را می توان بر اساس آرمان ها و ارزش های آنها ونیز..... که به دنبال می آورند، ارزیابی کرد. (فرصت ها و محدودیت های)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

- * فرهنگ چگونه از یک نسل به نسل دیگر منتقل می شود؟ (از راه آموزش و تربیت)
- * کدام لایه های فرهنگ کمتر در معرض تغییر قرار می گیرند؟ (لایه های عمیق)
- * کدام لایه های فرهنگ تاثیرات همه جانبه و فراگیر دارند؟ لایه های عمیق یا عقاید و ارزش ها
- * خرده فرهنگ های مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه را چه می گویند؟ (خرده فرهنگ موافق)
- * مقایسه لایه های سطحی و عمیق فرهنگ؟ (چرا تغییرات اساسی در لایه های فرهنگ آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می کند؟)
- ۱- فرهنگ لایه ها و سطوح متفاوتی دارد؛ برخی از این لایه ها سطحی تر و بیرونی هستند مانند نمادها و هنجارها ، ارزش ها و عقاید لایه های عمیق تر فرهنگ هستند
- ۲- لایه های سطحی امکان تغییر بیشتری دارند.
- ۳- لایه های عمیق کمتر در معرض تغییر قرار می گیرند و تاثیرات همه جانبه و فراگیر دارند
- ۴- تغییرات اساسی در لایه های عمیق فرهنگ آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می کند
- * ارتباط خرده فرهنگ با فرهنگ عمومی؟
- * خرده فرهنگ هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند؛ اغلب با فرهنگ عمومی سازگارند
- مصادیق فرهنگ و جامعه در موارد زیر:
- الف- خرید اینترنتی : فرهنگ ب- رعایت فاصله گذاری اجتماعی: فرهنگ
- ج- مردم شهر یزد: جامعه د- پوشش زنان ترکمن: فرهنگ
- * برای پدیده اجتماعی «کنکور سراسری»، یک فرصت و یک محدودیت بنویسید؟
- فرصت: ورود به دانشگاه ،احتمال دستیابی به شغل مورد علاقه،افزایش اعتماد به نفس، فراهم شدن زمینه ارتقا تحصیلی و اجتماعی ،
- دستیابی به دانش تخصصی
- محدودیت : احتمال عدم دستیابی به شغل متناسب با رشته تحصیلی،احتمال قبول نشدن در رشته مورد علاقه یا دانشگاه مورد نظر،افزایش مخارج،
- افزایش استرس و.....

درس چهار: ارزیابی فرهنگ ها

فرهنگ آرمانی:

ارزش هایی که مردم یک جامعه از آن جانبداری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند

«فرهنگ آرمانی» نامیده می شود

فرهنگ واقعی:

آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می کنند «فرهنگ واقعی» نام دارد

نکته:

*مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس عمل مردم تغییر می کند

*برنامه ریزان فرهنگی در هر جامعه تلاش می کنند که از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق هر چه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم کنند

فرهنگ حق:

بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد «فرهنگ حق» می باشد.

فرهنگ باطل:

بخش هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد «فرهنگ باطل» می باشد.

نمونه های از عقاید و ارزش های حق:

عقیده به توحید، وفای به عهد، عدالت، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان
نمونه هایی از عقاید و ارزش های باطل:

شرک، ظلم، بی عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران، دنیا پرستی

نکته:

*حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می شود

*علوم تجربی توان داوری درباره فنون و روش های اجرایی را دارند

*حق یا باطل بودن عقاید و ارزش ها را نمی توان با روش ها و علوم تجربی شناخت

*عقل و وحی دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش ها هستند و علومی که از این ابزار بهره می گیرند، می توانند درباره حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف داوری کند

*فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی هر جامعه ای تغییر می کند مثلاً استقلال سیاسی پیش از انقلاب اسلامی آرمان بود با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد

*حق یا باطل بودن عقاید، ارزش ها، هنجار ها و کنش ها بر اساس آگاهی یا جهل، و توجه یا بی توجهی مردم جوامع مختلف به آن ها

تعیین نمی شود

*جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می کنند و با عمل کردن بر اساس این عقاید و ارزش ها آن ها را به فرهنگ واقعی شان وارد می نمایند

*حقایق ثابت اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند

در عبارات زیر موارد صحیح و غلط را مشخص کنید.

*تمامی پدیده های انسانی و اجتماعی از بعد معنایی و ذهنی برخوردارند ولی تمامی پدیده های انسانی و اجتماعی بعد محسوس و عینی ندارند. درست

جاهای خالی با عبارات مناسب پر کنید

*مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس تغییر می کند. (عمل مردم)

*حقایق ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند. (ثابت اند)

*دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش ها و است. (عقل و وحی)

*علوم که از دو ابزار و بهره می گیرند می توانند درباره حق و باطل بودن فرهنگ ها داوری کنند. (عقل و وحی)

*مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس تغییر می کند. (عمل مردم)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

- * برنامه ریزان فرهنگی تلاش می کنند از چه طریقی زمینه تحقق هرچه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم کنند؟
از طریق تعلیم و تربیت
- * از ملاک های تشخیص عقاید و ارزش های حق از باطل در جهان اجتماعی کدامند؟ عقل و وحی
- * خرده فرهنگ مخالف با فرهنگ عمومی؟ ضد فرهنگ
- * آن بخش فرهنگ که مردم یک جامعه از آن جانبداری می کنند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند؟ فرهنگ آرمانی
- * آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می کنند؟ فرهنگ واقعی
- * بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق با فطرت انسان باشد؟ فرهنگ حق
- * آن بخش از فرهنگ که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد؟ فرهنگ باطل
- * حقایق ثابت اند یا تغییرپذیر؟ حقایق ثابت اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی تغییرپذیرند.
- * آیا فرهنگ آرمانی همان فرهنگ حق است؟ > با مثال< خیر، همیشه فرهنگ آرمانی همان فرهنگ حق نیست.
- مثال: تقدیس موش در معابد هندوستان یا سیاه عروس و داماد پیش از عروسی در یکی از روستاهای اسکاتلند یا نژاد پرستی و برتر دانستن یک قوم و گروه خاص یا پول پرستی و....
- * چه زمانی فاصله فرهنگ واقعی و فرهنگ آرمانی جامعه کاهش می یابد؟ اگر مردم مطابق آرمان های (عقاید و ارزش ها) جامعه خود عمل کنند.
- * چگونه جوامع مختلف حقیقت را به فرهنگ آرمانی و واقعی خود وارد می کنند؟
- * جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می کند و با عمل کردن بر اساس این عقاید و ارزش ها، آنها را به فرهنگ واقعی شان وارد می نمایند

درس پنجم: هویت

تعریف هویت:

آنچه در پاسخ به پرسش **کیستی** گفته می شود و با آن هر شخص از افراد دیگر متمایز می گردد ، «هویت» فرد را تشکیل می دهد
آیا هویت مان را خودمان می سازیم؟

- * ما در شکل گیری بعضی ویژگی های **هویتی** نقشی نداریم مانند مکان و زمان تولد یا دختر یا پسر بودن (**انتسابی**)
- * اما بسیاری از ویژگی های **هویتی** مانند صفات اخلاقی و روانی را **خودمان شکل می دهیم** یا در شکل گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم (**اکتسابی**)

* بعضی ویژگی ها در **به دست آوردن شان** نقشی نداریم اما با **تلاش** می توانیم آنها را **تغییر** دهیم مانند موقعیت اجتماعی که در زمان تولد از طریق خانواده به ما داده می شود و ما در طول زندگی می توانیم آن را تغییر دهیم

نکته:

- * برخی ویژگی های هویتی **تغییر می کنند** مانند جایگاه فرد در جامعه
- * برخی ویژگی های هویتی **تغییر نمی کنند** مانند زمان و مکان تولد
- * برخی ویژگی های هویت **فردی** هستند مانند زرنگی یا تنبلی صبوری و زودرنجی
- * برخی ویژگی های هویت **اجتماعی** هستند فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه های اجتماعی نمی تواند برخی ویژگی ها را داشته باشد مثلاً ما فقط با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می شویم

به طور کلی ویژگی های هویتی عبارتند از:

۱- **انتسابی یا انتسابی**

۲- **فردی یا اجتماعی**

۳- **ثابت یا متغیر**

هویت انسان سه بعد دارد:

الف- **بعد جسمانی** (بدن)

ب- **بعد نفسانی** (نفس و ویژگی های اخلاقی و روانی)

ج- **بعد اجتماعی** (نقش ها و عضویت فرد در جامعه)

نکته:

- *سه بعدهویت انسان (جسمانی،نفسانی،اجتماعی) از یکدیگر **جدا نیستند** بلکه با هم **تعامل** یا **ارتباط متقابل** و دوسویه دارند و بر یکدیگر **اثر** می گذارند.
- *هویت هر جامعه ای، بر اساس **عقاید، آرمان ها و ارزش های آن** جامعه شکل می گیرد
- *هویت اجتماعی هر فرد، **درون یک جامعه** و بر اساس **عقاید و ارزش های آن** شکل می گیرد
- *در جامعه قبیله ای: هویت اجتماعی افراد اغلب بر اساس جایگاه آنها در قبیله مشخص می شود
- *در جامعه سرمایه داری: هویت اجتماعی افراد بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است
- *در جامعه دینی: هویت اجتماعی افراد بر اساس عقاید و ارزش های تعیین می شود که آن دین محترم می شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، عدالت و علم ارزیابی می کند.

* هر جامعه ای با توجه به عقاید و ارزش هایش با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع هویت را تضعیف می کند. برای مثال:

فرهنگ متجدد غرب: بابعضی ویژگی های اخلاقی **سازگار** است که در ارتباط با آرمان ها و ارزش های دنیوی آن شکل می گیرند مانند: فردگرایی، دم غنیمت شماری، فرصت طلبی، انضباط، تهرج، رفاه طلبی و مال اندوزی

این ویژگی های اخلاقی فرهنگ غرب با ارزش های معنوی و الهی مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی، و توکل **سازگار نیست**.

- *هر جامعه ای بر اساس **هویت خود**، با **طبیعت و بدن آدمی** تعامل می کند
- ***نگاه دنیوی فرهنگ جدید غرب** و ارزش های آن به گونه ای است که هر **دخل و تصرفی** را در طبیعت و بدن **مجاز** می داند
- *در **فرهنگ اسلام** انسان به عنوان خلیفه خداوند وظیفه عمران و آبادانی طبیعت را به عهده دارد؛ یعنی انسان **حق ندارد** بر خلاف اراده حکیمانه الهی در جهان طبیعت و بدن خود **تصرفاتی** انجام دهد

خودآگاهی یا ناخودآگاهی:

- *بخشی از هویت، **آگاهانه** است؛ یعنی خود ما آن را می شناسیم یا دیگران به آن پی می برند و آن را برایمان بازگو می کند
- *اما بخش دیگر هویت برای ما **پنهان** است و آن را نمی شناسیم
- *کسانی (دیگران) که برای شناخت بیشتر و بهتر خود از آنها کمک می گیریم:
- والدین؛ دوستان؛ مشاور؛ روانشناس و روانکاو؛ جامعه شناسان و انسان شناسان؛ فیلسوفان؛ پیامبران و اولیای الهی

نکته:

- ***پیامبران و اولیای الهی** از دیرباز درباره بعد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان ها و همچنین غفلت و فراموشی آنها از خویشتن سخن گفته اند
- *وجود **نظرات متفاوت** درباره هویت، نشانه این است که امکان **خطا و اشتباه** در شناخت هویت وجود دارد
- در عبارات زیر موارد **صحیح و غلط را مشخص کنید**

- *هر جامعه ای بر اساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می کند. درست
- *فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه های اجتماعی؛ نمی تواند برخی ویژگی ها را داشته باشد. درست
- *هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و بر اساس عقاید و ارزش های آن شکل می گیرد. درست
- *نقش و عضویت اجتماعی ما مجرای ارتباط ما با جامعه و بخشی از آن به حساب می آید. درست

جاهای خالی با عبارات مناسب پر کنید

- *مهم ترین مساله بشری..... است. (هویت)
- *در جامعه سرمایه داری هویت اجتماعی افراد بیشتر به..... آنها وابسته است. (دارایی و توان اقتصادی)
- *در جامعه قبیله ای، هویت اجتماعی افراد اغلب بر اساس..... در قبیله مشخص می شود. (جایگاه افراد)
- *پیامبران و اولیای الهی از دیرباز درباره بعد..... هویت فردی و اجتماعی انسان ها سخن گفته اند. (الهی و فطری)
- *جامعه شناسان و انسان شناسان درباره ابعاد..... هویت انسان نظراتی ارائه می دهند. (اجتماعی)
- *برگزاری مسابقات زیبایی و نمایشگاه های مد، از توجه فرهنگ غرب بر بعد..... هویت حکایت می کند. (جسمانی)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

عبارات زیر نشانگر رابطه میان کدام یک از ابعاد هویت بر یکدیگر است؟

* یک انسان باتقوا، جهانی را تغییر می دهد؟ نفسانی بر اجتماعی

* ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانیت شدن انسانها می شود؟ جسمانی بر نفسانی

* جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی اخلاقیات می شود؟ اجتماعی بر نفسانی

* برخی بیماری های جسمانی به کمک قوای روانی درمان می شوند؟ نفسانی بر جسمانی

* خشکی بخش مرکزی فلات ایران، یکی از عوامل مهاجرت مردم از این مناطق شده است. طبیعی بر نفسانی

* دو مورد از ویژگی های اخلاقی سازگار با آرمان ها و ارزش های دنیوی فرهنگ متجدد غرب را بنویسید؟ فردگرایی، فرصت طلبی، انضباط، تجمل گرایی،

تبرج، رفاه طلبی، مال اندوزی و....

* وجود نظریات متفاوت درباره هویت نشانه چیست؟ این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد

* در کدام فرهنگ انسان حق ندارد درجهان طبیعت و بدن خود دخل و تصرف کند؟ فرهنگ اسلام

* مقایسه ویژگی های هویتی اکتسابی و انتسابی:

* انتسابی: ما در **شکل گیری** بعضی ویژگی های هویتی **نقشی نداریم** مانند مکان یا زمان تولد یا دختر و پسر بودن

* اکتسابی: بسیاری از ویژگی های هویتی را خودمان **شکل می دهیم** یا در شکل گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم. مانند صفات اخلاقی و روانی

* نوع هر یک از ویژگی های هویتی را برای موارد داده شده مشخص کنید: «**کارمند - راستگویی**»

اجتماعی، متغیر، اکتسابی - فردی، اکتسابی، متغیر

* نوع هر یک از ویژگی های هویتی را برای موارد داده شده مشخص کنید: «**متولد ماه خرداد - پلیس**»

انتسابی، ثابت و فردی - اجتماعی، متغیر، اکتسابی

* نگاه دنیوی فرهنگ جدید غرب نسبت به طبیعت و بدن آدمی چیست؟ یا نگاه فرهنگ جدید غرب و فرهنگ اسلام را به طبیعت و بدن انسان مقایسه کنید؟

* نگاه دنیوی فرهنگ جدید غرب و ارزش های آن به گونه ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت و بدن مجاز می داند. انسان در این فرهنگ

هر نوع تصرفی را برای بهره برداری بیشتر از طبیعت انجام می دهد.

در فرهنگ اسلام انسان خلیفه خداوند است و وظیفه عمران و آبادانی طبیعت را به عهده دارد، یعنی حق ندارد برخلاف اراده حکیمانه الهی

در طبیعت و بدن خود تصرفاتی انجام دهد.

(بارم درس ۱۰ تا ۱۰ در امتحان نهایی ۱۵ نمره)

درس شش: باز تولید هویت اجتماعی

* انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی داند چه موقعیتی در جامعه دارد و در این موقعیت چه وظایفی برعهده است. **انسان باید موقعیت**

خود را بشناسد، **حقوق و تکالیف** خود را یاد بگیرد و با **عمل** به آن ها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد

* هر جامعه ای برای **بقا و تداوم**، عقاید، ارزش ها و شیوه زندگی خود را به فرد **آموزش** می دهد.

* فرد نیز برای مشارکت در جامعه، این عقاید و ارزش ها و هنجارها را می آموزد.

* فرد با آموزش های اساسی و ماندگاری که در **خانواده** می بیند، **اولین و مهمترین** آشنایی ها را با جامعه ای که در آن متولد شده است، پیدا می کند،

* دیگر عوامل آشنایی افراد با جامعه: مدرسه، مسجد، مجالس علمی و مذهبی، گروه های همسالان و رسانه های جمعی

جامعه پذیری:

* به فرایندی که هر فرد برای **مشارکت در زندگی اجتماعی** دنبال می کند و مسیری که برای **شکل دادن به هویت اجتماعی** افراد طی می شود،

«جامعه پذیری» می گویند.

کژروی (کجروی) اجتماعی:

* به **کنش** هایی که **برخلاف عقاید، ارزش ها و هنجارهای** جامعه هستند «کژروی اجتماعی» می گویند

* هر جامعه علاوه بر جامعه پذیری، برای پیشگیری از کژروی های اجتماعی و کنترل آن ها روش های:

۱- «تبلیغ و اقناع»؛

۲- «تشویق و پاداش»؛

۳- «تنبيه و مجازات» به کار می گیرد

کنترل اجتماعی:

* به مجموعه فعالیت هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می گیرد، «کنترل اجتماعی» می گویند.

نکته:

* **امر به معروف و نهی از منکر** از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه پذیری و کنترل اجتماعی است

هویت اجتماعی چگونه تغییر می کند؟

* هویت اجتماعی یک فرد ممکن است در طول زندگی او تغییر کند.

* کسب هویت های اجتماعی جدید، با تغییراتی در **موقعیت اجتماعی** افراد همراه است: یعنی جایگاه فرد در جامعه یا یک گروه اجتماعی را تغییر می دهد.

* افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی به صورت **انفعالی** (خودشان در آن نقشی ندارند) در محیط خانواده و... می پذیرند و به تدریج با فعالیت های شان هویت

اکتسابی خود را به دست می آورند و متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می شوند

تحرك اجتماعی:

* به **جابجایی** افراد از یک **موقعیت اجتماعی** به **موقعیت اجتماعی** دیگر «تحرك اجتماعی» می گویند

انواع تحرك اجتماعی:

صعودی؛ مانند کارمندیک یک اداره که مدیر کل اداره می شود

نزولی؛ مدیر اداره که به صورت کارمند عادی به کار خود ادامه می دهد

افقی؛ مانند کارمند اداره که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می شود

نکته :

* موقعیت اجتماعی افراد **صرفاً تابع مشاغل آنها نیست** بلکه به عوامل دیگری مانند **علم، ایمان، تقوا، هنر، مهارت و احترام** بستگی دارد

نکته:

* هر جامعه به تناسب عقاید و ارزش های خود، برخی تحرك های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می کند برخی هویت ها را

می پذیرد و برخی دیگر را نمی پذیرد

در عبارات زیر موارد صحیح و غلط را مشخص کنید

۱- یک جامعه غیر دینی، به هویت دینی و معنوی افراد اجازه بروز و ظهور اجتماعی می دهد. نادرست

۲- موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنهاست. نادرست

۳- تحرك اجتماعی همیشه درون یک نسل، یعنی برای یک فرد در طول زندگی خودش اتفاق می افتد. نادرست

۴- فرایند جامعه پذیری همواره با موفقیت همراه است. نادرست

۵- جامعه افرادی را که مطابق ارزش ها و هنجارهای جامعه عمل نکنند، مجازات می کند. درست

۶- یکی از روش های پیشگیری از کژروی اجتماعی، تبلیغ و اقناع است. درست

۷- همواره افرادی هستند که به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند و رفتارهای مخالف انجام می دهند. درست

۸- فرزند کارمندی که مدیر شده، تحرك اجتماعی درون نسلی صعودی پیدا کرده است. نادرست

جاهای خالی با عبارات مناسب پر کنید

* جامعه ای که روش های مناسبی برای..... نداشته باشد، در معرض آسیب های بیشتری قرار می گیرد و دوام و بقای آن تهدید می شود.

(کنترل اجتماعی)

* از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه پذیری و کنترل اجتماعی..... است. (امر به معروف و نهی از منکر)

- * کسب هویت‌های اجتماعی جدید، با تغییراتی در افراد همراه است. (موقعیت اجتماعی)
- * فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جامعه خود پیدا می‌کند. (خانواده)
- * کارمند یک اداره وقتی مدیر بخشی از آن اداره می‌شود، تحرک اجتماعی داشته است. (صعودی)
- * افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی خود را به صورت انفعالی می‌پذیرد. (انتسابی)
- * به جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر می‌گویند. (تحرک اجتماعی)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

- * به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی و مسیری که برای شکل دادن اجتماعی خود دنبال می‌کند چه می‌گویند؟ (جامعه‌پذیری)
- * جامعه برای پیشگیری از کژروی (کجروی)‌های اجتماعی و کنترل آنها چه روش‌هایی به کار می‌گیرد؟ «تبلیغ و اقناع»؛ «تشویق و پاداش»؛ «تنبيه و مجازات»
- * آیا فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید در جوامع مختلف یکسان است؟ خیر. هر جامعه به تناسب عقاید و ارزش‌های خود برخی تحرک اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی را منع می‌کند، برخی هویت‌ها می‌پذیرد و برخی دیگر را نمی‌پذیرد.
- * چرا اعضای یک جامعه نمی‌توانند هر نوع هویت اجتماعی را کسب کنند؟ هر جامعه به تناسب عقاید و ارزش‌های خود برخی تحرک اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی را منع می‌کند، برخی هویت‌ها می‌پذیرد و برخی دیگر را نمی‌پذیرد.
- * برای تحرک اجتماعی نزولی مثال بزنید؟ (مدیر اداره وقتی از مدیریت عزل می‌شود و به صورت یک کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد.
- * افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به چه صورت می‌پذیرند و چگونه از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند؟ به صورت انفعالی (خودشان در آن نقش ندارند) می‌پذیرند و به تدریج با فعالیت‌هایشان هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند و متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.
- * جوامع مختلف بر چه اساسی برخی تحرکات هویتی را تشویق و برخی را منع می‌کنند؟ به تناسب عقاید و ارزش‌های خود
- * مثال‌های «جوان‌بیکاری که کار آفرین شده است» و «فرزند وزیری که کارمند شده است» به ترتیب بیانگر کدام نوع تحرک اجتماعی است؟ صعودی درونی نسلی - نزولی میان نسلی

درس هفت: تحولات هویتی جامعه

- * هویت اجتماعی افراد **محصول عضویت گروهی** آنهاست، برای مثال شهری، روستایی و عشایری بودن ما نتیجه زندگی در یک شهر، روستا یا ایل است.
- * هویت فرهنگی هر جامعه بر اساس **عقاید و ارزش‌های آن** شکل می‌گیرد.
- * هویت فرهنگی جامعه، **گسترده‌تر از هویت اجتماعی** افراد است.
- * هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می‌گیرد.
- * هویت فرهنگی جامعه، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار باشند، مقاومت می‌کند.
- * هویت فرهنگی جامعه تا زمانی دوام می‌آورد که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جامعه و برای آنها مهم باشد.
- * هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نسبت اعضای یک جامعه از دست بدهند، تداوم هویت فرهنگی آن جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شود.
- * تحولات فرهنگی می‌تواند مثبت یا منفی باشد.
- * اگر فرهنگی که دچار تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است.
- * اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است.

* چه زمانی تغییرات هویتی افراد مورد تشویق و تایید جامعه قرار می‌گیرد؟ با مثال؟

تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چهارچوب عقاید و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتد و با هویت فرهنگی جامعه سازگار باشد، مورد تشویق و تایید جامعه قرار می‌گیرد. مثال: فردی که با تلاش و پشتکار، موقعیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می‌بخشد از طرف جامعه، تایید و تشویق می‌شود

*علل تحولات فرهنگی به دو دسته: «درونی و بیرونی» تقسیم می شوند:

علل درونی: یا الف- به ابداعات و نوآوری های مثبت و منفی افراد جامعه مربوط می شود یا

ب- به کاستی ها و بن بست های موجود فرهنگ جامعه باز می گردد

علل بیرونی: علت بیرونی تحولات فرهنگی، رو به رو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است

*آیا هراتبابطی میان جوامع به تحول فرهنگی منجر می شود؟

*ارتباط جوامع مختلف با یکدیگر متداول و پذیرفته است. ارتباط جوامع به شکل های مختلف می باشد:

الف- گاهی روابط جوامع با یکدیگر در محدوده نمادها، هنجارها و سبک های زندگی

ب- گاهی روابط جوامع با یکدیگر در سطح عقاید و ارزش های اجتماعی است

ج- گاهی روابط جوامع با یکدیگر، زمینه گسترش و پیشرفته جامعه را فراهم می آورد

د- گاهی روابط جوامع با یکدیگر به تحولات فرهنگی منجر می شود

نکته:

*جوامع اسلامی در سده های نخستین رویارویی با جوامع دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداختند به همین سبب، عناصر سازگار با

هویت فرهنگی خود را از آنها گرفتند و در موارد مورد نیاز به بازسازی آن عناصر فرهنگی پرداختند

مثلا: جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری های یونان و روم عناصر عقلی فرهنگ آنها را اخذ کردند، اما عناصر مشرکانه این دو فرهنگ را نپذیرفتند.

نکته:

*اگر جامعه ای در تعامل با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش های خود پشت کند، دچار تحول فرهنگی می شود

نکته:

*ممکن است یک جامعه در مواجهه با جامعه دیگر، ضمن پذیرش بخش هایی از فرهنگ آن جامعه هویت جدیدی به دست آورد، بدون اینکه عقاید و

ارزش های جامعه مقابل را بپذیرد و به آن ملحق شود، مانند جوامع غربی که پس از رویارویی با جوامع اسلامی طی جنگ صلیبی، بدون اینکه به جامعه و

فرهنگ اسلام بپیوندند (بدون اینکه مسلمان شوند) تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند و هویت جدیدی پیدا کردند

*یک جامعه در چه صورت دچار خودباختگی فرهنگی می شود؟

*در تعامل فرهنگی، اعضای جوامع باید به طور خلاق و فعال و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر روبرو شود. اما اگر اعضای آن، مبهوت و

مقهور فرهنگ دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی جامعه آنها دچار خودباختگی فرهنگی می شود

تعریف غرب زدگی:

خودباختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب را غرب زدگی می نامند

*دو معنای از خود بیگانگی فرهنگی: (انواع از خودبیگانگی فرهنگی را نام ببرید؟)

۱- از خود بیگانگی تاریخی: اگر یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خود بیگانگی تاریخی شده است

۲- از خود بیگانگی حقیقی (فطری):

*در مواردی که انسان با خودش بیگانه شود از خود بیگانگی می گویند

نکته:

اگر عقاید و ارزش های یک جامعه مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جامعه دچار از خود بیگانگی حقیقی شده است

نکته:

فرهنگ هایی که بر اساس فطرت انسان شکل نگرفته اند و از عقاید و ارزش های حق برخوردار نیستند، مانع آن می شوند که انسان ها به شناخت صحیح

از عالم و آدم برسند

نکته:

از نظر قرآن کریم، انسان هنگامی می تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که به انسان و جهان نگاهی توحیدی داشته باشد فراموش کردن خداوند سبب

می شود که انسان خود را نیز فراموش کند.

نکته:

*فرهنگ اساطیری و فرهنگ دنیوی آدمی را نه تنها از حقیقت جهان بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می کند

در عبارات زیر موارد صحیح و غلط را مشخص کنید

- *هویت فرهنگی جامعه گسترده تر از هویت اجتماعی افراد است. درست
- *هویت فرهنگی جامعه در پرتو هویت اجتماعی افراد و متناسب با آن شکل می گیرد. نادرست
- *هویت فرهنگی جامعه، فرصت شکل گیری هویت های اجتماعی متناسب با خود را فراهم می آوردند. درست
- *هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می گیرد. درست
- *ابداعات و نوآوری های مثبت و منفی افراد جامعه یکی از علل درونی تحولات فرهنگی است. درست
- *تحولات فرهنگی می تواند مثبت یا منفی باشد. درست
- *تصویری که تاریخ نگاران غربی و مستشرقان از هویت جامعه اسلامی القا می کردند، اساطیری بود. نادرست
- *هویت اجتماعی افراد محصول عضویت گروهی آنهاست. درست

جاهای خالی با عبارات مناسب پر کنید

- *فرهنگ اساطیری و فرهنگ آدمی را از حقیقت جهان و حقیقت خود بیگانه می کنند. (دنیوی)
- *علل تحولات فرهنگی به دو دسته و تقسیم می شود. (درونی و بیرونی)
- * علت بیرونی تحولات فرهنگی، رو به رو شدن و جوامع با یکدیگر است. (ارتباط)
- *تحول جامعه جاهلی به نبوی تحول فرهنگی و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی تحول فرهنگی است. (مثبت - منفی)
- *اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی است. (منفی)
- *جامعه ای که با حفظ عقاید و ارزش های خود با جوامع دیگر ارتباط برقرار می کند و در سطح هنجارها و سبک زندگی، عناصری از جوامع دیگر را می گیرد، زمینه خود را فراهم می آورد. (گسترش و پیشرفت)
- *هویت فرهنگی جامعه بر اساس آن شکل می گیرد. (عقاید و ارزش ها)
- *هویت فرهنگی جامعه، گسترده تر از افراد است. (هویت اجتماعی)
- *اگر عقاید و ارزش های یک جامعه مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جامعه دچار شده است. (از خود بیگانگی فطری)
- *خودباختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب را می نامند. (غریزدگی)
- *بسیاری از جوامع غیر غربی در رویارویی با جهان غرب، مبهوت و مرعوب قدرت غرب شدند. (اقتصادی و سیاسی)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

- *جامعه خود باخته ای که در مواجهه با جامعه دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می برد؟ (از خود بیگانگی تاریخی)
- *فرهنگ هایی که مانع شناخت انسان از عالم و آدم می شوند؟ (از خود بیگانگی فطری)
- *جامعه ای که اعضای آن در گزینش عناصر فرهنگی جامعه دیگر، حالت فعال و خلاق خود را از دست دادند؟ (خودباختگی فرهنگی)
- *بیگانه شدن انسان از خودش؟ (از خود بیگانگی)
- *کدام یک از معانی «خودبیگانگی فرهنگی» مانع آشنایی اعضای جامعه با حقیقت انسان و جهان می شود؟ (از خود بیگانگی حقیقی یا فطری)
- *جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری های یونان و روم، کدام عناصر را از فرهنگ آنها اخذ کردند؟ (عناصر عقلی)
- *جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری های یونان و روم، چه عناصری از این دو فرهنگ را پذیرفتند؟ (عناصر مشرکانه)
- *نظریه پردازان غربی در طی قرن بیستم، سرنوشت مشترک و حتمی بشریت را در چه می دانستند؟ (دنیوی شدن همه فرهنگ ها)
- *علت بیرونی تحولات فرهنگی چیست؟ (روبرود و ارتباط جوامع با یکدیگر)
- *در چه صورت ارتباط میان جوامع، زمینه گسترش و پیشرفت یک جامعه را فراهم می آورد؟
- اگر یک جامعه با حفظ عقاید و ارزش های خود با جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و در محدوده هنجارها و سبک های زندگی، عناصری را از جوامع دیگر بگیرد و در صورت لزوم تغییرات لازم را در آن ها پدید آورد، زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم می آورد.
- *از نظر قرآن کریم، انسان چه هنگامی می تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد؟ وقتی به انسان و جهان نگاه توحیدی داشته باشد.

* هویت فرهنگی جامعه چه رابطه و نسبتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟

- ۱- هویت فرهنگی جامعه، **گسترده تر از هویت اجتماعی** افراد است و هویت اجتماعی افراد در **پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن** شکل می گیرد.
- ۲- هویت فرهنگی جامعه، **فرصت شکل گیری هویت های اجتماعی** متناسب با خود را پدید می آورد و در برابر انواع هویت های اجتماعی که با عقاید و ارزش های آن ناسازگار باشند، مقاومت می کند.

سوالات جورکردنی و ارتباطی

- * میبوهت و مقهور فرهنگ دیگر شدن؟
- * از یاد بردن هویت فرهنگی خود در مواجهه با جامعه دیگر؟
- * دور ماندن انسان از حقیقت خود و هستی؟
- * هرگاه اعضای یک جامعه عقاید و ارزش هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند؟
- * جامعه ای که بر عقاید و ارزش های خود پافشاری نکند و به مرور زمان به عقاید و ارزش های خود پشت کند؟
- * عناصر فرهنگی جامعه دیگر بدون تحقیق و گزینش پذیرفته می شود؟
- خودباختگی فرهنگی
- از خود بیگانگی تاریخی
- از خود بیگانگی فطری
- هویت فرهنگی
- تحول فرهنگی
- خودباختگی فرهنگی

درس هشت: بعد فرهنگی هویت ایران

هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام:

* ایران سرزمینی با بیش از **هفت هزار سال** قدمت

* در این سرزمین همواره اقوام مختلف زندگی کرده اند هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی **توحیدی، دینی** و در مواردی آمیخته با **اساطیر** بود؛

روایتی از این هویت را در **شاهنامه فردوسی** می توان دید

* پیش از اسلام، اقوام مختلف ایرانی با آن که هویت های قومی متفاوتی داشتند، در **عقاید و ارزش های زرتشتی** که با باورهای اساطیری درآمیخته بود، مشترک بودند.

* هویت فرهنگی ایرانیان پس از آشنایی با اسلام: (چگونه هویت ایرانی بخشی از هویت جهان اسلام شد؟):

* پس از آشنایی با اسلام عناصر مشرکانه و اساطیری خود را کنار گذاشتند، به تفسیر **توحیدی** از هویت خویش دست یافتند و با پذیرش عقاید و ارزش های اسلامی، ایران به جهان اسلام ملحق گردید و هویت ایرانی بخشی از هویت جهان اسلام شد

نکته:

* **فارسی دری** از دیرباز به عنوان **زبان سیاسی** دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلف که در ایران زندگی می کردند، بود

* زبان فارسی به دلیل **مشارکت فعال ایرانیان** در حیات فکری جهان اسلام، به عنوان **زبان دوم** جهان اسلام،

مرزهای امپراتوری **گورکانی، عثمانی، هندوستان، تبت تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان** را درنوردید

* **شاعران و حکیمان** ایرانی که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شدند: مولوی، سعدی، حافظ

* جوامع اسلامی از جمله ایران چگونه با انواع **هجمه های (هجوم) نظامی و سیاسی** اقوام مختلف مقابله کرد؟ با ذکر مثال

الف- مسلمانان در سده های مختلف، مانند **جنگ های صلیبی**، مهاجمان را دفع کردند

ب- یا مانند **حمله مغول ها**، مهاجمان را درون فرهنگ خود **جذب و هضم** کردند

ج- اما مواجهه **فرهنگ جدید غرب** با جوامع و فرهنگ اسلامی **تجربه جدیدی** است که هنوز به پایان خود نرسیده است

* جوامع اسلامی در واکنش به **هجمه ها**، یا مانند جنگ های صلیبی مهاجمان را دفع کردند یا مانند **حمله مغول**، مهاجمان را درون فرهنگ خود

هضم و جذب کردند

نکته:

- ۱- در نخستین رویارویی ها، قدرت **سیاسی و نظامی** جوامع غربی، جوامع اسلامی را به **خود باختگی فرهنگی** دچار ساخت
- ۲- در دیدگاه **مستشرقان**، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، **توحیدی یا اساطیری نیست**، بلکه **دنیوی** است. این هویت در قالب عناوین **قوم گرایانه و ناسیونالیستی** به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می شود و امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک و عرب و فارس تقسیم می کند
- ۳- **متفکران ایرانی** از دهه سی شمسی به بعد، در نقد **رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت های کاذبی** که از این طریق ساخته شده بود، **کتاب های متعددی** تدوین کردند مانند:

*۱- غرب زدگی *۲- خدمات متقابل اسلام و ایران

*۳- بازگشت به خویشتن *۴- فطرت

تأثیر انقلاب اسلامی بر هویت ایرانی

- الف- **انقلاب ها** از مهم ترین **تحولات** در هر جامعه ای محسوب می شوند.
- ب- یکی از مهم ترین بحث ها درباره هر انقلاب، **دستاوردها و پیامدهای آن** است.
- ج- **پیامدهای انقلاب** را به شیوه های مختلفی دسته بندی می کنند؛ مثلاً **پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت**. یا **پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی**.
- د- یکی از مهم ترین پیامدهای انقلاب، **تحولات هویتی** است.
- ه- بازگشت ایران به اسلام، صرفاً بازگشت به **هویت تاریخی و جغرافیایی نبود** بلکه بازگشت به **هویت توحیدی و معنوی** خویش بود
- و- جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود، که **هویتی مستقل؛ فعال و اثرگذار** است، به قلب تپنده **بیداری اسلامی** تبدیل شد
- ز- **اسلام** به عنوان یک **قطب فرهنگی جدید** در جهان ظاهر می شود
- ح- **انقلاب اسلامی؛ نظریه پردازان غربی** که طی قرن بیستم، **دنیوی شدن** همه فرهنگ ها را سرنوشت **مشترک و حتمی** بشریت می دانستند، به تامل در نظریات پیشین خود و بازبینی آنها فرا خوانده است

در عبارات زیر موارد صحیح و غلط را مشخص کنید

- * تصویری که تاریخ نگاران غربی و مستشرقان از هویت جامعه اسلامی القا می کردند، اساطیری بود. نادرست
 - * هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. درست
 - * یکی از مهم ترین پیامدهای انقلاب اسلامی ایران، تحولات هویتی است. درست
 - * یکی از مهم ترین بحث ها درباره هر انقلاب، دستاوردها و پیامدهای آن است. درست
- جاهای خالی با عبارات مناسب پر کنید**
- * ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر..... و اساطیری خود را کنار گذاشتند. (مشترکانه)
 - * ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشترکانه و خود را کنار گذاشتند. (اساطیری)
 - * در نخستین رویارویی ها؛ قدرت..... و..... جوامع غربی؛ جوامع اسلامی را به خود باختگی فرهنگی دچار ساخت. (سیاسی و نظامی)
 - * **متفکران ایرانی** از دهه سی شمسی به بعد، در نقد رویکرد..... و **هویت های کاذبی** که از این طریق ساخته شده بود. (تقلیدی به فرهنگ غرب)
 - * جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود به قلب تپنده..... تبدیل شد. (بیداری اسلامی)
 - * نظریه پردازان غربی قرن بیستم..... شدن همه فرهنگ ها را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می دانستند. (دنیوی)
 - * هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با..... بود. (اساطیر)
 - در دیدگاه مستشرقان هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا..... نیست؛ بلکه دنیوی است. (اساطیری)
 - * بازگشت ایران به اسلام، بازگشت به هویت..... و..... خویش بود. (توحیدی - معنوی)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

* اقوام مختلف ایرانی که پیش از اسلام هویت های قومی متفاوتی داشته اند، چگونه هویت فرهنگی واحدی پیدا کردند؟

مشترک بودن در عقاید و باورهای زرتشتی

*مستشرقان درباره هویت فرهنگی جوامع اسلامی چه دیدگاهی دارند؟

۱- در دیدگاه **مستشرقان**، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، **توحیدی یا اساطیری نیست**، بلکه **دنیوی** است.

۲- این هویت در قالب عناوین **قوم گرایانه و ناسیونالیستی** به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می شود.

۳- امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر **ترک و عرب و فارس** تقسیم می کند.

*متفکران ایرانی از دهه سی شمسی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب چه کتاب هایی تدوین کردند؟

(غرب زدگی ؛ خدمات متقابل اسلام و ایران ؛ بازگشت به خویشتن ؛ فطرت)

*برخورد مسلمانان در مواجهه با حمله مغول چگونه بود؟ آنان را در فرهنگ خود جذب و هضم کردند

*چه عاملی باعث شد که پیش از اسلام اقوام مختلف ایرانی هویت فرهنگی واحدی پیدا کنند؟ عقاید و ارزش های زرتشت

*زبان فارسی چگونه توانست به زبان دوم جهان اسلام تبدیل شود؟

*زبان فارسی به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم

جهان اسلام، در مناطق مختلف جهان اسلام گسترش یافت

*یکی از مهم ترین پیامدهای هرانقلاب چیست؟ (تحولات هویتی)

*چگونه جامعه ایران به قلب تپنده بیداری اسلامی تبدیل شد؟(با بازگشت به هویت اسلامی خودکه هویتی مستقل،فعال و اثرگذار است.)

*اسلام چگونه به عنوان قطب فرهنگی جدید در جهان ظاهر شد؟ جوامع اسلامی دیگر با الهام از انقلاب اسلامی ایران ، هویت خود را بیرون از تصاویری که فرهنگ غربی القا می کرد، جست و جو می کنند.

*انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری براندیشمندان جهان غرب داشته است؟ انقلاب اسلامی افق جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گشوده و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم ، **دنیوی شدن همه فرهنگ ها را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت** می دانستند ، به **تامل در نظریات پیشین خود و بازبینی آن ها** فراخوانده است.

*تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظریه پردازان غربی را بنویسید؟ تامل در نظریات پیشین و بازبینی آن ها

درس نه: بعد سیاسی هویت ایران

تعریف **قدرت**: فرد بتواند کاری را با **آگاهی و اراده خود** انجام دهد، دارای قدرت است

انواع قدرت:

الف- قدرت **فردی**: فرد بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد

ب- قدرت **اجتماعی**: هنگامی پدیدار می شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر **اراده دیگران** تاثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد

نکته:

*کسانی که **توان تاثیر گذاری بیشتری بر اراده دیگران** دارند، از **قدرت اجتماعی بیشتری** برخوردارند

*علاوه بر افراد، **نهادهای سازمان ها و جوامع** نیز دارای قدرت اجتماعی هستند

ج- قدرت **مقبول**: قدرت اجتماعی **بدون پذیرش و توافق دیگران** پدید نمی آید؛

نکته:

*تنها راه **تاثیر گذاردن** بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، **جلب تبعیت** آنهاست

جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است:

۱- **تبعیت با کراهت**: تبعیتی است که ناشی از **تهدید و ترس** باشد

۲- **تبعیت با رضایت**: تبعیتی است که با **رضایت و میل درونی** همراه است

نکته:

* قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید، دارای مقبولیت است
اقتدار:

قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد اقتدار نامیده می شود

نکته:

مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می شود؛ اما مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است

انواع قدرت مشروع:

مشروعیت حقیقی: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت حقیقی دارد

مشروعیت دروغین: اگر قدرت موافق با ایدئولوژی های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد

نکته:

* مقبولیت و مشروعیت حقیقی می توانند با هم باشند می توانند از یکدیگر جدا باشند

نظام سیاسی و انواع آن:

* سیاست: اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است. سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است

* نظام سیاسی: مجموعه ساز و کارهایی که برای اعمال سیاست های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می دهد

نکته:

در یک جامعه، نظام سیاسی نمی تواند مستقل از نظام های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و..... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می گیرد. نظام سیاسی بر نظام های دیگر، به ویژه نظام فرهنگی اثر می گذارد و از آنها تاثیر می پذیرد.

چه زمانی نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را افزایش و یا کاهش می دهد؟ (تاثیر نظام فرهنگی بر نظام سیاسی):

۱- نظام فرهنگی عقاید، ارزش ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تامین می کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی، مقبولیت دارد.

۲- اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تاثیر و فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش های فرهنگی خود عدول کند، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می دهد.

نظام سیاسی چه تاثیری بر نظام فرهنگی دارد؟

۱- نظام سیاسی اگر به ارزش های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می کند

۲- اگر از ارزش ها و آرمان های جامعه دور شود زمینه بحران های فرهنگی و هویتی را فراهم می سازد.

انواع نظام های سیاسی بر اساس ملاک های گوناگون:

الف- بر اساس تعداد افراد تاثیر گذار و تصمیم گیرنده:

ب- بر اساس روش تصمیم گیری:

ج- بر اساس دین مداری یا دنیا مداری: نظام های سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می یابد

نظام سیاسی دنیوی فقط ارزشها و آرمانهای دنیوی و این جهانی را مد نظر قرار می دهد

نکته:

* نظام های سیاسی براساس تعداد افراد تاثیرگذار و تصمیم گیرنده (مورد الف) به سه دسته تقسیم می شود:

۱- نظام هایی که در آنها یک فرد حاکم است و تصمیم می گیرد

۲- نظام هایی که در آنها اقلیتی تصمیم گیرنده است

۳- نظام هایی که در آنها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تاثیر گذارند

*نظام های سیاسی براساس روش تصمیم گیری (مورد ب) به دو دسته تقسیم می شوند:

۱-نظام هایی که در آنها **حاکم یا حاکمان** بر اساس **اهداف و اغراض و امیال خود** تصمیم می گیرند

۲-حاکم یا حاکمان بر اساس **حقیقت و فضیلت** و با توجه به **موازین عقلی** تصمیم می گیرد

***دموکراسی:**

ارسطو، حاکمیت **اکثریت** را در صورتی که بر مدار **خواسته های** آنها باشد، **دموکراسی** می نامد

***جمهوری:**

ارسطو حکومتی را که در آن **اکثریت مردم بر اساس حقیقت و فضیلت** حضور و فعالیت دارند، جمهوری می خواند بین حکومت جمهوری و دموکراسی تفاوت می گذارد

نکته:

در دسته بندی **فارابی** از نظام سیاسی، مدینه فاضله جامعه ای است که بر اساس **قوانین الهی** شکل می گیرد
جوامع **جاهله**: فارابی جوامعی را که آرمان ها و ارزش هایشان **الهی و عقلانی** نباشد جوامع جاهله می نامد

لیبرالیسم:

به معنای **مباح دانستن** همه امور برای انسان ها

دموکراسی به معنای حاکمیت **مردم** است

لیبرال دموکراسی:

نظام سیاسی است که ادعا می کند با **خواست و اراده اکثریت مردم** سازمان می یابد. نظام سیاسی هیچ حقیقت و فضیلت ای را به رسمیت نمی شناسد
و حکومتی **دنیوی و این جهانی** است این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، **سازگار** است .

جمهوری اسلامی یا مردم سالاری دینی:

در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با **خواست مردم** و ذیل **اراده و مشیت الهی** شکل می گیرند

نمونه هایی از ارزش های اجتماعی اسلامی:

عبودیت، عدالت، آزادی، استقلال، نفی سلطه بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت

نکته:

در آموزه های اسلامی **عبادات** هنگامی که بعد **اجتماعی وسیع تری** پیدا می کنند ارزش بیشتری می یابند. در برخی از روایات، مسئولیت متقابل
امت و امام، مهم ترین مسئولیت دانسته شده است

در عبارات زیر موارد صحیح و غلط را مشخص کنید

*نظام سیاسی اگر به ارزش های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می کند. درست

*لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همه امور برای انسان هاست. درست

*لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که با فرهنگ جدید غرب سازگار است. درست

*ارسطو حکومتی را که در آن اکثریت مردم بر اساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند جمهوری می خواند. درست

*قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت تبعیت کنندگان به دست می آید، مقبولیت و مشروعیت دارد. نادرست

*مقبولیت و مشروعیت حقیقی نمی توانند با هم باشند. نادرست

جاهای خالی با عبارات مناسب پر کنید

*کسانی که توان تاثیر گذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از..... بیشتری برخوردارند. (قدرت اجتماعی)

*قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد،..... نامیده می شود. (اقتدار)

*هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند،..... پدید می آید. (سیاست)

*در دسته بندی فارابی از نظام سیاسی ،مدینه.....جامعه ای است که بر اساس قوانین الهی شکل می گیرد. (فاضله)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

*چه کسانی از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند؟ کسانی که توان تاثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند.

* قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید؟ (مقبولیت قدرت)

*قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد؟ (اقتدار)

*خواست و اراده کسانی که قدرت بر آنها اعمال می شود؟ (مدار مقبولیت)

*توان تاثیرگذاری بیشتر بر اراده دیگران؟ (قدرت اجتماعی)

*حاکمیت دنیوی واین جهانی که هیچ حقیقت وفضیلتی را به رسمیت نمی شناسد؟ (لیبرال دموکراسی)

*مباح دانستن همه امور برای انسان هاست؟ (لیبرالیسم)

*حاکمیت اکثریت مردم براساس حقیقت وفضیلت است؟ (جمهوری)

*حاکمیت اکثریت مردم برمدار خواسته های آن ها است؟ (دموکراسی)

*ارسطو حکومتی را که در آن اکثریت براساس خواسته ها و تمایلات خود حاکمیت دارند چه می نامد؟ (دموکراسی)

*انواع جلب تبعیت دیگران را ذکر کنید:

تبعیت باکراهت: تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد

تبعیت با رضایت: تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است

*فارابی از جوامعی که آرمان ها و ارزش های الهی و عقلانی نباشد با چه عنوان یاد می کند؟ (جاهله)

*درآموزه های اسلامی عبادات چه هنگامی ارزش بیشتری می یابد؟ (هنگامی که بعد اجتماعی وسیع تری پیدا می کند)

*نظام سیاسی بر مبنای حاکمیت اکثریت مردم بر اساس خواست و میل خودشان چه نام دارد؟(دموکراسی)

*تفاوت بین حکومت جمهوری و دموکراسی از نظر ارسطو چیست؟

جمهوری: حکومتی که اکثریت مردم بر اساس حقیقت و فضیلت فعالیت دارند

دموکراسی: حاکمیت اکثریت مردم بر اساس خواسته ها و تمایلات خود

*در دسته بندی فارابی از نظام سیاسی، جامعه ای که بر اساس قوانین الهی شکل می گیرد چه نامیده می شود؟ (مدینه فاضله)

*تنها راه تاثیر گذاردن بر اراده دیگران چیست؟ (جلب تبعیت افراد)

ملاک های نظام سیاسی از دیدگاه فارابی چیست؟ (دین مدار و دنیا مدار؛مدینه فاضله و جوامع جاهله)

*لیبرال دموکراسی چه نوع نظام سیاسی است؟ (ویژگی های نظام لیبرال دموکراسی)

نوعی نظام سیاسی است که ادعا می کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می یابد. این نظام سیاسی هیچ حقیقت و فضیلتی را به رسمیت نمی شناسد

و حکومتی دنیوی و این جهانی است

* منظور از اقتدار چیست؟ قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد

* بر اساس تعداد افراد تاثیر گذار و تصمیم گیرنده؛ نظام های سیاسی به چند دسته تقسیم می شوند

الف - نظام هایی که در آنها یک فرد حاکم است و تصمیم می گیرد

ب - نظام هایی که در آنها اقلیتی تصمیم گیرنده است

ج - نظام هایی که در آنها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تاثیر گذارند

درس ده: ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران

* ویژگی های جمعیتی در معرفی جوامع: تعداد جمعیت، جوان و پیر، شهری و روستایی، بیکار و شاغل بودن جمعیت

نکته:

* جمعیت هر جامعه بخشی از هویت آن محسوب می شود

* به مجموعه آگاهی ها و معانی مشترکی که جامعه بر اساس آن ساخته می شود، فرهنگ می گویند

* **هویت** هر جامعه بر اساس **فرهنگ** آن (عقاید و ارزش ها) شکل می گیرد

* **بسط و گسترش** یک جامعه از طریق **گسترش فرهنگ** آن صورت می گیرد

* **راه های گسترش** هر فرهنگ؟ ۱- **شناختن** (اندیشیدن) ۲- **پذیرفتن** ۳- **عمل کردن** به آن است

* شناخت فرهنگ، پذیرش و عمل به آن صرفا از عهده: **افراد و اعضای جامعه** بر می آید

* هرچه **حاملان و عاملان** یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ **بیشتر** گسترش می یابد

* **افزایش جمعیت** یک جامعه زمینه ساز **گسترش فرهنگ** آن است

* **کاهش جمعیت** یک جامعه نیز به **محدود شدن گستره فرهنگ** منجر می شود و امکان تسلط جوامع و فرهنگ های دیگر بر آن جامعه را فراهم می آورد

* تامین جمعیت مناسب برای یک جامعه، مسئله ای **هویتی** است

* چرا تامین جمعیت مناسب برای یک جامعه مسئله هویتی است؟ **دلایل** :

افزایش جمعیت یک جامعه زمینه ساز گسترش فرهنگ آن است، کاهش جمعیت یک جامعه نیز :

۱- به محدود شدن گستره فرهنگ آن، منجر می شود

۲- امکان تسلط جوامع و فرهنگ های دیگر بر آن جامعه را فراهم می آورد از این رو تامین جمعیت مناسب برای یک جامعه مسئله هویتی است

هدف اسلام: گسترش فرهنگ اسلامی و **توحیدی** است؛ لازمه تحقق این هدف، **داشتن جمعیت** مناسب است

* چه زمانی جهت گسترش فرهنگ اسلامی و توحیدی، افزایش جمعیت **ضروری** است؟

اگر **فرهنگی** که با افزایش جمعیت **بسط** می یابد، فرهنگ **حق** باشد نه فرهنگ باطل و همچنین، افراد و اعضای آن فرهنگ **حاملان و عاملان فرهنگ حق**

باشند؛ افزایش جمعیت ضروری است

* **پیامبر اسلام** (ص) روز محشر به **کثرت** پیروان خود مباحثات می کند

* **فرزند آوری** نیاز فطری انسان ها و تامین جمعیت از **کارکردهای مهم خانواده** است

عوامل کاهش جمعیت در جوامع غربی:

* بالا رفتن سن ازدواج، افزایش بی ثباتی، فروپاشی خانواده ها و طلاق، رفاه زدگی، مصرف گرایی و هزینه پنداشتن فرزندان.

سیاست های جمعیتی:

*وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره اندیشی می کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه حل هایی را به اجرا در می آورد که سیاست های جمعیتی نامیده می شود.

*سیاست های جمعیتی می تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد

*کاهش بیش از حد و کم سابقه رشد سالانه جمعیت در سال های اخیر، تغییر و بازنگری در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت.

اصول کلی سیاست های جمعیتی ایران از سال ۹۳ تا کنون نام ببرید؟

(دراصول کلی سیاست های جمعیتی تصویب شده در سال ۱۳۹۳ به چه ضرورت هایی توجه شده است؟)

*۱-افزایش جمعیت،

۲- جوانی جمعیت،

۳- حمایت از زوج های جوان و توانمندسازی آنان در تامین هزینه های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد،

۴- ترویج و نهادینه سازی سبک زندگی ایرانی-اسلامی،

۵-فرهنگ سازی برای احترام و تکریم سالمندان و بهره مندی از تجارب و توانمندی های ایشان،

۶-برنامه ریزی برای توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور

دستاوردهای اقتصاد امروز:

گسترش بهره مندی مردم از آب، برق، گاز، ارتباطات و ایجاد زیرساخت هایی همچون سد ها و نیروگاه ها، توسعه ظرفیت تولیدی، ارتقای شاخص های بهداشت و درمان، پیشرفت در صنایع هسته ای و نانو، بازسازی خسارت های ناشی از جنگ، مقابله با تحریم ها

معضلات (مشکلات) اقتصاد امروز:

تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر درآمد و امکانات، تجمل گرایی و مصرف گرایی

تأثیر سرمایه های نفتی بر اقتصاد:

سرمایه های نفتی می تواند به انواع دارایی ها و ثروت ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود اما اگر به درستی از آن استفاده نشود،

می تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفت وابسته است

آسیب های مبتنی بر اقتصاد نفتی:

۱-شکل گیری تولید ملی ضعیف و شکننده

۲-در کوتاه مدت احساس رفاه بیشتری به ارمغان می آورد اما پایدار نیست

۳-وضعیت شکننده ای را به وجود می آورد که زمینه سوء استفاده قدرت های جهانی را فراهم می آورد

۴-دولت بزرگی به وجود می آید که می کوشد به کمک درآمدهای نفتی و نه رواج کسب و کار، رفاه اقتصادی را تامین کند

نکته:

*غرب، هویت خود را بر اساس اقتصاد شکل می دهد و سرمایه داری عامل اصلی هویت یابی افراد و جوامع غربی است

*دلایل به راه انداختن جنگ اقتصادی تمام عیار جوامع غربی علیه ایران:

۱- برخی از کشورهای سلطه گر غرب که از سوی اقتصاد را اساس همه چیز می پندارند

۲- از سوی دیگر، تمامی شیوه های غیر اقتصادی را نابود شده می بینند، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می دانند؛ از این رو جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ایران به راه انداختند

نکته:

راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟

*ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را: ۱- با اجرای قانون اساسی و ۲- سیاست های اقتصاد مقاومتی تعقیب می کند

*ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را چگونه تعقیب می کند؟ ۱- با اجرای قانون اساسی و ۲- سیاست های اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی:

*الگوی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با اعتقاد به تعالیم حیات بخش اسلام و تکیه بر دانش و فناوری و ظرفیت های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی و حضور فعال و موثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران امنیت، رفاه و پیشرفت همراه با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگوی ایرانی- اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می آورد.

حمایت از تولید ملی، جهت تحقق اقتصاد مقاومتی به چه معناست؟

حمایت از تولید ملی یعنی کمک به صنعت کشور برای تولید کالایی با کیفیت و قیمت مناسب

وظایف دولت یا تولید کننده در حمایت از تولید ملی و تحقق اقتصاد مقاومتی چیست؟

وظایف دولت: ارائه تسهیلات به تولید کننده، ممنوعیت واردات کالاهای مشابه داخلی، افزایش تعرفه های گمرکی بر کالاهای وارداتی،

وظیفه تولید کننده: کنار گذاشتن سودجویی و فرصت طلبی و خدمت به مردم و جامعه به عنوان هدفی مهم

در عبارات زیر موارد صحیح و غلط را مشخص کنید

*شناخت فرهنگ، پذیرش و عمل به آن صرفاً از عهده افراد و اعضای جامعه بر می آید. درست

*از کارکردهای مهم خانواده تامین جمعیت است. درست

*اولین شرط بقای هر جامعه، اقتصاد قوی و پیشرفته آن است. نادرست

*هرچه حاملان و عاملان فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، امکان تحول فرهنگی بیشتر است. نادرست

*غرب، شیوه های اقتصادی سازگار با اقتصاد سرمایه داری را در سراسر جهان نابود می کند. نادرست

*رفاه اقتصادی ناشی از رواج کسب و کار، از ویژگی های اقتصاد وابسته به نفت است. نادرست

جاهای خالی با عبارات مناسب پر کنید

*کاهش بیش از حد رشد سالانه جمعیت در سال های اخیر، تغییر و بازنگری در سیاست را ضروری ساخت. (کاهش جمعیت)

*عامل اصلی هویت یابی افراد و جوامع غربی..... است. (سرمایه داری)

*غرب، هویت خود را بر اساس..... می دهد. (اقتصاد)

* غرب، هویت خود را بر اساس اقتصاد شکل می دهد و عامل اصلی هویت یابی افراد و جوامع غربی است. (سرمایه داری)

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

*در چه صورت فرهنگ، گسترش بیشتری می یابد؟ (حاملان و عاملان آن، بیشتر باشند)

*جمله «پیامبر اسلام (ص)، روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می کند» به اهمیت چه موضوعی اشاره دارد؟ (جمعیت مناسب)

*تدابیر و راه حل هایی که برای حل مشکل جمعیتی اندیشیده می شود چه نام دارد؟ (سیاست های جمعیتی)

*کشورهای غربی پاشنه آشیل ایران اسلامی را چه می دانند؟ (اقتصاد)

*چرا کشورهای سلطه گر غرب جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته اند؟

(زیرا پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می دانند)

*چرا رفاه حاصل از اقتصاد نفتی پایدار نیست؟

الف- ایجاد درآمدهای هنگفت و بدون زحمت

ب- شکل گیری تولید ملی ضعیف و شکننده وابسته به نفت

ج- به وجود آمدن دولت بزرگی که به کمک درآمدهای نفتی و رفاه اقتصادی را ایجاد می کند نه رواج کسب و کار

د- فراهم شدن زمینه سوء استفاده از قدرت های جهانی

*انواع سیاست های جمعیتی را نام ببرید؟ افزایش دهنده یا کاهش دهنده جمعیت

*اگر از سرمایه های نفتی به درستی استفاده نشود چه پیامدهایی دارد؟

می تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفت وابسته است

*کاهش جمعیت یک جامعه زمینه ساز چه آسیب هایی است؟

الف- کاهش جمعیت یک جامعه به محدود شدن گستره فرهنگ آن منجر می شود

ب- امکان تسلط جوامع و فرهنگ های دیگر بر آن جامعه را فراهم می آورد

*الگوی اقتصاد مقاومتی چه دستاوردهایی به همراه می آورد؟

۱- برای مردم ایران امنیت، رفاه و پیشرفت همراه با عدالت

۲- برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی اسلامی از رشد و شکوفایی به ارمغان می آورد

*اقتصاد امروز ایران چه دستاوردها و چه معضلاتی داشته است؟

دستاوردها: ارتقای شاخص های بهداشت و درمان، پیشرفت در صنایع هسته ای و نانو، مقابله با تحریم ها...

معضلات: تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر درآمد و امکانات، تجمل گرایی و مصرف گرایی و....

«وقتی دست هایت را در جیب گذاشته ای نمی توانی از نردبان موفقیت بالا بروی»

موفق و سربلند باشید